

Analyzing the cultural challenges of the educational system based on lived experiences (case study; Secondary schools)

Mohammad Amini. Associate Professor of curriculum Studies, Department of Education, Faculty of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran. (Corresponding Author) Email: amini@kashanu.ac.ir

Farzaneh Gharaghifar. MA of Curriculum & Instruction, Department of Education, Faculty of Humanities, University of Kashan, Kashan, Iran. Email: Roham89raha@gmail.com

Extended Abstract

Introduction: One of the important and fundamental concepts in the humanities and social sciences is the concept of culture, which encompasses a wide semantic range. Terminologically, this word has been used to refer both to customs and traditions, as well as to the set of sciences, knowledge, and arts of a people. Culture, in academic terms, has at least three dimensions: science and knowledge, way of life, and a set of specific customs and traditions rooted in the history of a society. Since culture is not inherent, it must be taught to the new generation. Cultural education is one of the most important concerns of educational systems, fostering a type of knowledge and competence in individuals known as cultural literacy. Cultural literacy is a key factor in the survival and sustainability of any society. In a culturally literate society, issues such as environmental pollution, social harm, and the destruction of cultural heritage have little opportunity to emerge. Moreover, a culturally literate individual possesses the ability to understand and respect diversity, reflect on their actions, and demonstrate tolerance, creativity, observance, adaptability, awareness, and openness to cultural artifacts-traits that indicate a conscious understanding of culture as a legible construct and foster a sense of empathy.

At the same time, it is important to note that efforts to cultivate and promote the culture of society and its citizens, particularly the younger generation, are of considerable importance. Through such efforts, opportunities are provided for the growth, re-creation, and transmission of cultural elements. Clearly, this critical mission is the responsibility of educational systems. Education, as a social and cultural institution, plays a central role in the transmission, expansion, and advancement of culture, preparing learners to achieve a good life across all dimensions. If culture is defined as something that can be acquired, taught, and learned, then a set of organized efforts and activities should be designed and implemented to promote the cultural development of individuals across educational levels and courses. It should be emphasized that culture inherently has an educational and nurturing function, shaping values in society, and can even be considered the foundation of the educational system itself.

One of the main functions of schools and educational centers, as cultural institu-



tions reflecting cultural beliefs, folk traditions, moral values, and political structures, is to provide learning opportunities and experiences through which cultural values and norms are transmitted to students. In this way, adolescents and young people acquire knowledge of existing culture, develop positive emotions and attitudes toward it, and gain the necessary capabilities for its growth and development. In social science terminology, this is referred to as the acculturation function.

Method: Therefore, given the importance of the cultural and social functions of the educational system and the realization of its goals across different grades, particularly in the second secondary school, this qualitative research aimed to examine and represent the most significant challenges of implementing cultural functions in this educational stage. The research employed a qualitative approach. The statistical population consisted of upper secondary school teachers in the academic year 1402-1403. Using purposive sampling, the lived and thought experiences of 28 teachers with more than ten years of work experience were selected as information sources, and their narratives on school cultural issues were recorded and analyzed. Data were collected through semi-structured in-depth interviews. The seven-stage Colaizzi method was employed to organize and analyze the data.

Conclusion: Overall, the results indicated that the implementation of cultural functions in secondary schools faces four primary challenges arising from the malfunctioning of the educational system, the family institution, cyberspace, and societal realities. Consequently, it is necessary to design and implement principled strategies and measures to address these four challenges and to create balance and coordination among the functions of various influential institutions. Such efforts are essential to improve the quality of cultural and social functions in secondary schools and to achieve the cultural objectives of the educational system.

Keywords: Culture, cultural functions, secondary schools, acculturation, secondary school teachers.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مطالعات استراتژیک
فصلنامه علمی

Scientific Quarterly
of Strategic Studies
of Culture
Vol.5, Series.20,
No.4, Winter 2026

واکاوی چالش‌های فرهنگی نظام آموزشی بر مبنای تجارب زیسته (مورد مطالعه: دوره دوم متوسطه)

محمد امینی^۱، فرزانه چراغی^۲

چکیده

این پژوهش کیفی با هدف شناسایی مهم‌ترین چالش‌های اجرای کارکردهای فرهنگی و اجتماعی در دوره متوسطه دوم انجام شد. جامعه آماری پژوهش را دبیران این دوره در سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ تشکیل می‌دادند. با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری هدفمند، تجارب زیسته ۲۸ نفر از دبیران با سابقه کاری بیش از ده سال گردآوری و روایت‌های آنان درخصوص مسائل و مشکلات فرهنگی مدارس، ثبت و مورد واکاوی قرار گرفت. تحلیل این روایت‌ها نشان‌دهنده مجموعه‌ای از چالش‌های محوری است که اجرای اثربخش برنامه‌های فرهنگی در این مقطع تحصیلی حساس را با دشواری مواجه می‌سازد. ابزار جمع‌آوری اطلاعات مصاحبه عمیق نیمه-ساختارمند بود و جهت سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات نیز از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. در مجموع نتایج تحقیق نشان می‌دهد که اجرای کارکردهای فرهنگی در دبیرستان‌ها با چهار چالش اساسی ناشی از سوءکارکرد نظام آموزشی، نهاد خانواده، فضای مجازی و جامعه و واقعیت‌های موجود آن مواجه است. بر این اساس، برای بهبود کیفیت این کارکردها و تحقق اهداف فرهنگی، برنامه‌ریزی و اقدام منسجمی برای رفع این موانع و هماهنگ‌سازی نهادهای مؤثر ضروری است.

واژگان کلیدی

فرهنگ، کارکردهای فرهنگی، دوره متوسطه دوم، فرهنگ‌پذیری، دبیران متوسطه.



مقدمه

یکی از مفاهیم مهم و پایه‌ای در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی مفهوم فرهنگ^۱ است که دارای دامنه معنایی گسترده‌ای است. به لحاظ واژه‌شناسی این کلمه در معنای آداب و رسوم و نیز مجموعه علوم و معارف و هنرهای یک قوم آمده است (معین، ۲۰۱۲: ۲۵۳۸). همچنین، فرهنگ در اصطلاح حداقل دارای سه معنای علم و دانش، شیوه زندگی و مجموعه آداب و رسوم و سنن خاص و نشأت گرفته از تاریخ یک جامعه می‌باشد (زیرکی‌حیدری و الماسی، ۱۴۰۲: ۵۸-۵۷).

در عین حال، باید دانست که تعریف فرهنگ به درک پیچیدگی‌های موجود در فضای اجتماعی یاری می‌رساند (هال، ۱۳۹۰: ۱۲). از دیدگاه صاحب نظر متقدم یعنی ادوارد تایلر^۲ که اولین تعریف کلاسیک از فرهنگ را ارائه کرد، فرهنگ کل پیچیده‌ای است که شناخت‌ها، باورها، هنر، اخلاق، حقوق و آداب و رسوم و دیگر توانایی‌ها یا عاداتی را که انسان در قالب عضوی از جامعه کسب کرده، شامل می‌شود (کوش، ۱۳۹۷: ۲۷). همچنین، باید گفت که الگوی کلی هنجار، نماد، رفتار، ارزش، زبان، سنت و رفتارهای مشترکی که توسط اعضای یک گروه اجتماعی خلق و آفریده می‌شوند، اشاره به فرهنگ جامعه داشته (Graham, Grennan, Harvey & Rajgopal, 2022) و اصولاً فرهنگ محصول روش‌ها و طرق زیست جمعی، نگرش جهانی، هویت‌های گروهی و تعامل و ارتباط اجتماعی در بین افراد در جامعه است (Kunchambo, Lee, & Brace-Govan, 2021). در عین حال، مجموعه رفتارهای اکتسابی اعضای جامعه‌ای خاص نیز جلوه‌ای از فرهنگ بوده و باید میان فرهنگ آرمانی و فرهنگ موجود تفاوت گذاشت؛ زیرا فرهنگ آرمانی الگوهای رفتاری تأییدشده رسمی و فرهنگ موجود آن چیزی است که عملاً بر جامعه حاکم است. به صورت کلی هر فرهنگ به شکلی سازمان یافته تا زمینه را برای روابط متقابل و مؤثر افراد و گروه‌ها فراهم نماید (Cohen, 2020: 60-56).

ویلیامز^۳ نیز چهار معنا برای فرهنگ شامل نوعی وضعیت ویژه ذهن، وضع رشد فکری کل یک جامعه، علوم انسانی و سبک کلی زندگی یک گروه یا یک ملت را بیان کرده است (Milner & Bravitt, 1387: 9). هال^۴ در تعریف خود به سه دسته عقاید درست یا نادرست، ابزارهای انسان ساخته و فرآورده‌های کنش اجتماعی توجه می‌کند

1. Culture
2. Edward Taylor
3. Williams
4. Hall

(دولو، ۱۳۸۴: ۶۲-۷۱). افروغ (۱۳۷۹: ۲۰-۲۱) نیز فرهنگ را به‌عنوان معرفت و شناخت مشترک مشتمل بر لایه‌های تودرتو تعریف کرده که از سطحی‌ترین تا عمیق‌ترین لایه شامل فناوری اجتماعی و فناوری مادی (مهارت استفاده و به‌کارگیری ساخت اشیا)، نماد، هنجار، ارزش، جهان‌بینی است. پهلوان (۱۳۸۸: ۹۱) با استناد به دیدگاه فرهنگ‌شناسان برای فرهنگ سه بعد مادی، ذهنی و اجتماعی را قائل می‌شود. بعد مادی فرهنگ اشکال بیانی، نمایشی، تجسمی، ادبیات، نمایش، فیلم، اینترنت و کلاً جنبه‌های آشکار است و بعد ذهنی شامل باورها و اعتقادات مذهبی و سیاسی، ارزش‌ها، هنجارها، شیوه‌های فکر و خلق و خوی یک جامعه بوده و بعد اجتماعی نیز بیانگر راه‌های عمل اجتماعی، آئین‌ها، شیوه‌های ارتباطی و نیز نهادهای اجتماعی، حامیان یا ناقلان فرهنگ است؛ اما فارغ از معانی و تعاریف مختلف فرهنگ باید به این نکته مهم توجه کرد که تلاش برای رشد و ارتقای فرهنگ هر جامعه و شهروندان آن به‌ویژه نسل جوان و نوجوان از اهمیت قابل توجهی برخوردار بوده و از طریق آن فرصت لازم برای رشد و بازآفرینی فرهنگ و عناصر فرهنگی فراهم می‌شود. بدیهی است انجام این رسالت مهم به عهده نظام‌های آموزشی است؛ زیرا آموزش و پرورش به‌عنوان یک نهاد اجتماعی و فرهنگی، مهم‌ترین عامل انتقال، بسط و اعتلای فرهنگ است و مسئولیت آماده‌سازی فراگیران برای تحقق یافتن مرتبه‌ای از حیات طیبه در همه ابعاد را بر عهده دارد (شورای عالی انقلاب فرهنگی، ۱۳۹۰: ۷). در واقع، اگر فرهنگ را یک امر اکتسابی و قابل آموزش و یادگیری تعریف کنیم، در آن صورت باید مجموعه‌ای از تلاش‌ها و فعالیت‌های سازمان‌یافته در راستای رشد فرهنگی افراد و از جمله یادگیرندگان پایه‌ها و دوره‌های تحصیلی مختلف طراحی و اجرا شود. البته باید به این نکته توجه کرد که فرهنگ اصولاً کارکرد آموزشی و پرورشی را در ماهیت خود به‌صورت نهفته داشته و ارزش‌ها و بایدها را در جامعه تعیین کرده و حتی می‌توان فرهنگ را آفریننده و خالق نظام آموزشی دانست (حبیبی، ۱۳۹۱). با این‌همه، یکی از کارکردهای اصلی مدارس و مراکز آموزشی به‌عنوان نهادهای فرهنگی که بازتاب‌دهنده عقاید فرهنگی، سنت‌های عامیانه، ارزش‌های اخلاقی و سازمان‌های سیاسی هستند (ژوزف، ۱۳۸۹: ۴۰). تمهید و تدارک مجموعه‌ای از فرصت‌ها و تجارب یادگیری است که از طریق آن‌ها آموزه‌ها و هنجارهای فرهنگی به دانش‌آموزان به‌عنوان مصادیق عینی نسل نوجوان و جوان انتقال و آموزش داده شود تا در نتیجه آن آینده‌سازان جامعه واجد شناخت‌های لازم از فرهنگ موجود شده، نسبت به آن عاطفه و احساس مثبتی بروز داده

و همچنین از قابلیت‌های لازم جهت رشد و تکامل آن مورد برخوردار شوند. آنچه در اصطلاح علوم اجتماعی از آن تحت عنوان کارکرد فرهنگ پذیری نام برده می‌شود، ناظر بر چنین معنایی است.

اصولاً شناساندن سنت‌های تاریخی و فرهنگی جامعه و کمک به حفظ آن‌ها و نیز توجه به نیازهای جامعه مدرن رسالت مهم آموزش و پرورش است. لذا آموزش و پرورش علاوه بر آن‌که در پذیرش جوانب مثبت فرهنگ جهانی نقش دارد، در حفظ هویت فرهنگی جامعه در مقابل الگوهای تحمیلی و مصرفی که از طریق جریان جهانی‌سازی الگوسازی می‌شود، نقش آگاه‌کننده و پالایش‌دهنده دارد (فرهینی فراهانی و صباغ اسماعیلی، ۱۳۹۵). بر این اساس، تربیت نسل آتی و آماده کردن آنان برای فرهنگ‌پذیری بر عهده مدرسه به‌عنوان بخش مهمی از آموزش و پرورش بوده (تنهائی و همکاران، ۱۴۰۲: ۶۶) و از جمله اصلی‌ترین کارکردهای تعلیم و تربیت است که به نحوی دلالت بر تربیت فرهنگی نسل جدید جامعه توسط نسل‌های بزرگ‌تر دارد (روح‌الامینی، ۱۳۸۴). قابل‌ذکر است تربیت فرهنگی از دو سازوکار فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری تشکیل شده که منجر به انتقال میراث فرهنگی به‌خصوص از بعد ارزشی و هنجاری می‌شود (شمشیری، ۱۳۹۶: ۱۱۲) و در راستای آماده‌کردن و توانمندسازی افراد جهت فهم مفاهیم مختلف و تحقق اهداف شخصی و حرفه‌ای مؤثر بوده و از طریق آن افراد در کسب هنجارها، ارزش‌ها، اصول معنوی و اخلاقی و معیارهای زندگی شهروندی توانا می‌شوند (Kapoor, 2019).

از آنجایی که فرهنگ امری ذاتی نیست، ضرورت دارد که به نسل جدید آموزش داده شود. اساساً در همه جوامع میراث فرهنگی مورد توجه و تأکید است و چون در اثر غفلت ممکن است از بین برود، انتقال آن به افراد جامعه به‌ویژه نسل‌های جدید از اهمیت زیادی برخوردار است (علاقه‌مند، ۱۴۰۳: ۶۷). در واقع، در نتیجه فرایند فرهنگ‌پذیری و اجتماعی شدن که در مدرسه به‌عنوان آزمایشگاه جامعه انجام می‌شود، فراگیران به تدریج واجد رفتارهایی می‌شوند که با عادات و آداب و رسوم محیطی که در آن به دنیا آمده و بزرگ شده‌اند، همخوان و سازگار است (پارمحمدیان، ۱۴۰۰: ۱۰۰). از سوی دیگر، از آنجایی که فرهنگ زیربنای توسعه محسوب می‌شود باید به اهمیت تربیت فرهنگی در نظام آموزشی توجه داشت؛ زیرا کارآیی نظام‌های آموزشی در گرو آن است که یکی از مهم‌ترین آرمان‌های خود را تربیت فرهنگی دانش‌آموزان قرار داده و

خصوصیات فرهنگی مهم از جمله حساس بودن به استدلال منطقی، برقراری ارتباط با دیگران، تحمل و شکیبایی در مواجهه با موقعیت‌های مبهم، آگاهی از ماهیت موقتی دانش و معرفت علمی، برخورداری از خلاقیت، عادت به تفکر دقیق، علاقه و تعهد به کاوشگری و تحقیق، حس همدلی، قابلیت سازگاری با تغییرات و... که سازگار با اهداف توسعه اقتصادی و اجتماعی است را در فراگیران خود ایجاد و رشد دهند (مهرمحمدی، ۱۴۰۱: ۸۲-۸۱).

با توجه به مطالب فوق، می‌توان استنباط کرد که آموزش‌های فرهنگی از مهم‌ترین دغدغه‌های نظام‌های آموزشی است که کارکردهای حفظ، انتقال و بازسازی و توسعه فرهنگ را به عهده داشته و با انجام وظیفه ذاتی خود که همان جامعه‌پذیر کردن افراد از طریق فرهنگ و مقوله‌های آن است، در افراد نوعی دانایی و توانایی را به وجود می‌آورد که از آن با عنوان سواد فرهنگی^۱ یاد می‌شود (عبداللهی و همکاران، ۱۴۰۳: ۴۷۵).

درواقع، سواد فرهنگی امکان فرهیختگی فراگیران و کسب یادگیری‌های فرهنگی و انسانی و فهم عمیق و همدلانه معانی و مضامین فرهنگی را برای دانش‌آموزان فراهم می‌کند. از دیدگاه هیرش^۲ (۱۹۸۷) سواد فرهنگی از سطح پایه خواندن، نوشتن و حساب کردن به سطح متفاوتی از دانش مبتنی بر ارزش فراتر رفته و می‌توان آن را به مثابه پاسخی به الزامات همزیستی پایدار جامعه تلقی کرد. در عین حال که کریستنبری^۳ (۱۹۸۹) سواد مذکور را در معنای برخورداری از مهارت‌های خواندن انتقادی یا منتقدانه دانسته و برودی^۴ (۱۹۹۰) نیز سواد فرهنگی را فهم و درک عمیق آرمان‌ها و ایده‌های انسانی همراه با ابعاد اخلاقی، فکری و زیبایی‌شناسانه آن‌ها می‌داند. سواد فرهنگی را می‌توان شناخت و آگاهی فرد از تاریخ و پیشینه جامعه خود و جامعه جهانی، جغرافیای جامعه خود و جغرافیای جهانی، مناسبات اجتماعی و شناخت نشانه‌های فرهنگی و واکنش لازم و شایسته به آن‌ها دانست و برای ارتقای آن برنامه‌ریزی لازم را انجام داد (Halbert & Chigeza, 2015). همچنین، می‌توان از یک دیدگاه جامعه‌شناسانه سواد فرهنگی را به معنای شناخت میدان‌های فرهنگی مختلف و شناخت قواعد نوشته و نانوخته گونه‌ها، گفتمان‌ها، انواع سرمایه‌ها، ارزش‌های فرهنگی موجود و بسترهایی دانست که عمل انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند (نقیب، ۱۳۹۰). از دیدگاه

محمدی (۱۳۹۴) نیز سواد فرهنگی عامل اصلی بقا و ماندگاری هر جامعه بوده و در جامعه برخوردار از این سواد مشکلاتی مثل آلودگی زیست‌محیطی، آسیب‌های اجتماعی، ویرانی میراث فرهنگی... فرصتی برای خودنمایی ندارند. همچنین، فرد دارای سواد فرهنگی توانایی درک تنوع را داراست و به آن احترام می‌گذارد، در کار خود تأمل کرده و در مقابل مصنوعات فرهنگی بردبار، خلاق، مشاهده‌گر، سازگار، آگاه و باز است. ویژگی که درک آگاهانه فرهنگ به‌عنوان سازه‌ای خوانا را نشان داده و حس همدلی ایجاد می‌کند (حیدری نقدعلی و همکاران، ۱۴۰۲: ۱۳۷).

پیشینه پژوهش

در زمینه کارکردهای فرهنگی و زمینه‌های آموزشی و تربیتی مرتبط با فرهنگ پژوهش‌های مختلفی انجام شده که بیانگر ابعاد و سویه‌های مختلف این عرصه می‌باشد.

پژوهش شهیدی و حسنی (۱۴۰۳) فاطمی هفت‌دران و همکاران (۱۴۰۳) در پژوهش خود بر این یافته تأکید کرده‌اند که نهادهای آموزشی از مهم‌ترین عرصه‌های اجتماعی در فرهنگ‌پذیری و شکل‌گیری هویت فرهنگی و اجتماعی افراد بوده که موجب تقویت پیوندهای فرهنگی و تعمیق هویت ملی در بین جوانان می‌شود. به‌علاوه، اجرای برنامه‌های مرتبط با تاریخ ملی، زبان مادری، ادبیات و هنر منطقه و کشور و همچنین گردهمایی قومیت‌های مختلف در مدارس با درک متقابل فرهنگی، تعصبات را کاهش و احترام متقابل بین فراگیران را افزایش می‌دهد.

پژوهش تنهایی و همکاران (۱۴۰۲) نشان داد که اجرای کارکردهای فرهنگی و تربیتی در مدارس با معضلاتی همچون چالش‌های مالی، مذهبی و اخلاقی، فرهنگ‌پذیری و پرورشی، انگیزشی، رسانه‌ای، اجرایی و محتوایی، مدیریتی، شناختی، سخت‌افزاری و نرم‌ساختاری مواجه است که طی چهار دهه اخیر کیفیت این فعالیت‌ها را در مدارس کشور تحت تأثیر منفی قرار داده و حل آن‌ها نیازمند برنامه‌ریزی راهبردی و هوشیاری رهبران تربیتی است.

نتایج پژوهش عابدی‌خوب و فراغت (۱۴۰۲) نشان داد که رشد سرمایه فرهنگی افراد نقش زیادی در کاهش و کنترل مشکلات اجتماعی دارد. کریمی فیروزجایی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش خود مؤلفه‌های تربیت فرهنگی را شامل علم‌طلبی، تفکر مستقل، تفکر انتقادی، هویت ایرانی-اسلامی دانسته و نشان دادند که تربیت فرهنگی فرصت‌هایی برای کسب نتایج مطلوب آموزشی فراهم می‌کند.

در تحقیق دیالمه و همکاران (۱۴۰۱) گزارش شده که معلم با محبت، اقناع‌سازی و الگوهای ارتباطی و تعاملی مؤثر با دانش‌آموزان می‌تواند در فرهنگ‌پذیری نسل جدید نقش مهمی ایفا کند.

زارع (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان داد که انسان‌شناسی فرهنگی با محوریت فرهنگ در شکل‌گیری یادگیری هویت و یادگیری، رویکردی کل‌نگر به تعلیم و تربیت می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که درک فرهنگی عمیق از فراگیران می‌تواند مقدار زیادی از چالش‌های آموزشی را بکاهد و فرایند یادگیری را معنادارتر کند. پژوهش‌گویای این نکته است که نظام‌های آموزشی باید برای طراحی برنامه‌های درسی و روش‌های تدریس، فرهنگ را به‌عنوان بستری اساسی در نظر بگیرند. این رویکرد به معلمان کمک می‌کند تا درک بهتری از فراگیران داشته باشند، همچنین می‌تواند محیط‌های یادگیری و پاسخگو به تنوع فرهنگی را نیز ایجاد کند. به‌صورت کلی، ادغام اصول انسان‌شناسی فرهنگی در آموزش می‌تواند تحولی شگرف در اثربخشی و کیفیت نظام‌های تربیتی ایجاد کند.

اسماعیلی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهش خود نتیجه‌گیری کردند که فعالیت‌های فرهنگی مدارس بر تربیت فراگیران به‌ویژه بینش آن‌ها تأثیری مثبت داشته، هرچند تأثیرات رفتاری آن‌چندان زیاد نبوده است.

از سوی دیگر، کاراتاس^۱ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهش خود دریافتند که فرهنگ‌پذیری نوجوانان مورد تحقیق تحت تأثیر برداشت و ادراک آنان از ترجیحات فرهنگی همکلاسی‌ها و نیز جهت‌گیری‌های فرهنگی والدین خود قرار دارد. تحقیق روتنبرگ^۲ و همکاران (۲۰۲۰) نشان داد که عنصر فرهنگ در زمینه کاهش میزان پرخاشگری و قانون‌شکنی نسل جوان دارای اثرات زیادی است.

مطالعه سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳ (۲۰۲۱) هم بیانگر آن بود که آموزش چندفرهنگی و جامعه‌پذیری مناسب به‌عنوان کاتالیزور (تعدیل‌کننده) در جامعه عمل کرده و باعث ایجاد برابری و کاهش معنادار اعمال تبعیض‌آمیز، خصومت و جنگ می‌شود. نتایج پژوهش دیویس^۴ و همکاران (۲۰۲۳) هم نشان داد که دیدگاه‌های معلمان در مورد سطح تفکر انتقادی فراگیران از هویت فرهنگی خود متنوع بوده و برخی حتی نگرش منفی نسبت به این قابلیت فکری داشته و بر نیاز به اجرای یک

رویکرد آموزشی مناسب در این عرصه تأکید کرده‌اند.

جمی^۱ و همکاران (۲۰۲۴) در تحقیقی نشان دادند که آموزش چندفرهنگی بر آگاهی و شناخت حقوق اقلیت‌ها، رشد هویت فرهنگی و افزایش مشارکت سیاسی دانش‌آموزان تأثیر قابل توجهی داشته است.

مطالعه کاروالهو^۲ و همکاران (۲۰۲۴) نیز بیانگر آن بود که گروه‌های حاشیه‌ای و محروم فرهنگی و اقتصادی، مقاومت خود در برابر آموزش و محتوای فرهنگی را به شکل تغییر دادن برنامه درسی، تأسیس مدارس ویژه خود و یا حتی ترک تحصیل نشان می‌دهند و همین امر برای سیاستگذار آموزشی مسئله بغرنجی را به وجود می‌آورد.

به‌هرحال، با توجه به مطالب فوق که در حکم مبانی نظری و پژوهشی تحقیق است، هدف اصلی این پژوهش بررسی و واکاوی مجموعه مسائل و آسیب‌های مربوط با کارکردهای فرهنگی مدارس متوسطه دوره دوم از دیدگاه دیرانی است که خود از نزدیک با چالش‌ها و واقعیت‌های فرهنگی در این مدارس سروکار دارند. بدیهی است با توجه به اهمیت اجرای کارکردهای فرهنگی در همه مراکز آموزشی، به‌ویژه مدارس متوسطه دوم که دانش‌آموزان آن از ویژگی‌ها، علایق و دغدغه‌های خاصی برخوردارند، شناخت تنگناها و مشکلات این حوزه دارای اهمیت زیادی است. افزون بر این، می‌توان از این طریق تصویری مستند از مسائل و اولویت‌های فرهنگی موجود دانش‌آموزان متوسطه دوره دوم که بنا به ویژگی‌های سنی، شخصیتی و رشدی در مرحله حساس هویت‌یابی قرار دارند، ارائه کرد تا بر مبنای آن اقدامات اصلاحی لازم را جهت ارتقای فعالیت‌های فرهنگی در دوره متوسطه نظام آموزشی طراحی و اجرا کرد.

روش پژوهش

با توجه به ماهیت و هدف تحقیق، رویکرد حاکم بر این مطالعه رویکرد کیفی از نوع پدیدارشناسی است. در پدیدارشناسی سؤال اصلی آن است که اساساً تجربه زیسته افراد موردنظر در مورد یک مسئله چگونه تجربه‌ای است (امامی‌سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱).

درعین‌حال، تصریح، شفاف کردن و روشن‌سازی بیشتر پدیده‌ای خاص یکی از موارد مناسب برای کاربرد روش پدیدارشناسی است (عابدی، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، پژوهش کیفی از لحاظ سرشت داده‌ها، متنی و معنایی و ناساختمند بوده و منطق اندیشیدن و تفکر آن استقرایی و از جز به کل بوده (فراستخواه، ۱۳۹۴) و هنگامی مورد استفاده قرار

1. Jemmy

2. Carvalho

می‌گیرد که بخواهیم پدیده‌ای را از جهات مختلف بررسی کرده و تصویری تفصیلی از پدیده‌ها ضمن مطالعه افراد در شرایط طبیعی خود ارائه و بازنمایی کنیم (بازرگان، ۱۳۸۹:۳۰). برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار مصاحبه عمیق نیمه‌ساختارمند^۱ استفاده شد. گال و همکاران (۱۳۹۰) تصریح کرده‌اند که اطلاعات حاصل از این نوع مصاحبه از عمق بیشتری برخوردار هستند. در روند اجرای مصاحبه‌ها و در زمان تقریبی ۳۰ تا ۴۵ دقیقه به دبیران فرصت کافی داده شد تا بتوانند به تشریح تجارب خود در مورد مشکلات کارکردهای فرهنگی در مقطع متوسطه پرداخته و ادراکات ویژه خود را تبیین کنند. همچنین، در مورد محرمانه بودن و عدم افشای محتوای مصاحبه‌ها به منابع اطلاع‌رسان اطمینان خاطر داده شد. جهت انتخاب مشارکت‌کنندگان پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد. در روش مذکور محقق در پی آن است تا به‌گونه‌ای هدفمند و اینکه اصولاً به چه نوع اطلاعات خاصی نیاز دارد، نمونه‌ها را انتخاب کند (ادیب‌حاج‌باقری و همکاران، ۱۳۸۶). طبق این روش نمونه‌گیری افرادی باید مورد تحلیل، بررسی و مشاهده قرار گیرند که پدیده مد نظر را تجربه و یا نسبت به آن دارای تجربه باشند (بازرگان، ۱۳۹۲)؛ بنابراین در تحقیق فوق، با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند و با کمک و راهنمایی مدیران مدارس، دیدگاه‌ها، نظرات و تجارب زیسته تعداد ۲۸ نفر از دبیران مقطع متوسطه دوم که به‌طور پیوسته و مداوم با دانش‌آموزان و محیط مدرسه در ارتباط بوده و در این زمینه دارای ذهنیت، شناخت و تجربه لازم بوده و به بیان دیدگاه‌ها و مشارکت در فرایند مصاحبه تمایل و گرایش مثبت خود را اعلام کردند، به‌عنوان منابع اطلاع‌رسان مورد واریسی قرار گرفت. جمع‌آوری اطلاعات موردنیاز تا زمان اشباع نظری ادامه یافت. قابل ذکر است اشباع نظری در تحقیقات کیفی زمانی رخ می‌دهد که محقق به این نقطه رسیده باشد که در مرحله‌ای از کار خود به مفاهیم، اطلاعات و پاسخ‌های مشابه دست یافته و مفاهیم جدیدی ظهور پیدا نمی‌کند (محمدپور و بهمنی، ۱۳۸۹). در واقع، اشباع نظری نشانگر پایایی روش تحقیق است، چراکه تکرار اطلاعات و نتایج پژوهش را نشان می‌دهد (کلاکی، ۱۳۸۸). از سوی دیگر، برای سازماندهی و تجزیه و تحلیل اطلاعات حاصله از روش هفت مرحله‌ای کلازی^۲ استفاده شد. این مراحل در جدول شماره یک نشان داده شده است.

1. Semi-structured in-depth interview

2. Collaizi

ردیف	مراحل
۱	تبدیل مصاحبه‌های ضبط‌شده به صورت متن نوشتاری و مطالعه و بازبینی توسط محققان طی چند بار برای رسیدن به درکی عمیق.
۲	مشخص کردن جملات راهنما و عبارات اصلی با متمایز ساختن اطلاعات مهم و کلمات اصلی مرتبط با پدیده و رویداد موردنظر.
۳	مفهوم‌پردازی یا کدگذاری اطلاعات و عبارات مهم شناسایی‌شده (توجه به تناسب معنایی بین مفهوم انتخاب‌شده و اطلاعات اصلی مهم است)
۴	مفاهیم انتخاب‌شده مرحله قبلی موردبررسی قرارگرفته و در پی آن مفاهیم مشترک در دسته‌های خاص خود جای می‌گیرند.
۵	یافته‌ها و نتایج، برای توصیف کلی و جامع از رویداد مدنظر به هم پیوند خورده و دسته‌های کلی‌تری به وجود می‌آورند.
۶	از پدیده و رویداد مدنظر توصیفی دقیق و روشن ارائه می‌شود.
۷	با مراجعه به مشارکت‌کنندگان در تحقیق، اعتبار یافته‌ها و مؤثقت نمودن آنان انجام می‌شود.

درعین حال، محققان با جلب اعتماد دبیران مشارکت‌کننده و همراهی و مشارکت آن‌ها، تجزیه و تحلیل مداوم اطلاعات بعد از هر مصاحبه و استفاده از بازخورد منابع اطلاع‌رسان برای اطمینان یافتن از کفایت اطلاعات و داده‌های به دست آمده، افزایش تعداد مصاحبه‌ها و خوانش مجدد بعضی از کدهای به دست آمده و استفاده از دیدگاه‌ها و نظرات اصلاحی دبیران سعی کردند تا میزان درستی و اعتبار یافته‌های به دست آمده از پژوهش را افزایش دهد. به علاوه، پژوهشگران با استفاده از اقدامات گوناگون تلاش کردند تا میزان کفایت و صحت اطلاعات حاصله را افزایش دهند. در واقع، محققان با عنایت به معیار تأییدپذیری، ارتباط و پیوستگی یافته‌های پژوهش با داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده موجود را مورد بازبینی قرار داده و درعین حال جزئیات و اطلاعات دقیقی در مورد فرایند جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها به دبیران مشارکت‌کننده ارائه شد. همچنین، از طریق انجام مصاحبه‌های فردی، درگیری و ارتباط مداوم با داده‌ها و اطلاعات به دست آمده، واری و بازنگری صحبت‌های برخی شرکت‌کنندگان، پیدا کردن برخی شواهد مغایر و تأکید بر گردآوری اطلاعات مستند تلاش شد تا سطح مقبولیت یافته‌ها افزایش یابد. از این گذشته، با اعمال حداکثر تنوع در انتخاب مشارکت‌کنندگان و بازگرداندن مصاحبه‌های کدبندی شده بدان‌ها و تصدیق ایشان مبنی بر انطباق کدها با تجارب و روایت‌های بیان‌شده آن‌ها معیار تکرارپذیری یافته‌ها حاصل شد. به موازات این فعالیت‌ها، کسب اعتماد و اطمینان منابع اطلاع‌رسان

تحقیق و جلب مشارکت هرچه بیشتر آن‌ها، بررسی مستمر داده‌ها، تجزیه و تحلیل آن‌ها در اولین فرصت ممکن بعد از هر مصاحبه، استفاده از بازخورد مشارکت‌کنندگان جهت تعیین میزان کفایت داده‌ها، افزایش تعداد مصاحبه‌ها، بازنگری مصاحبه‌شوندگان و استفاده از دیدگاه‌های اصلاحی آنان و مرور و بازخوانی برخی کدهای استخراج‌شده به همراه برخی مشارکت‌کنندگان اقدامات دیگری بود که در راستای افزایش تأییدپذیری یافته‌های پژوهش انجام گرفت.

یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه‌ها، مکالمه‌های ضبط‌شده تبدیل به متون نوشتاری شده و سپس مورد مطالعه عمیق و دقیق قرار گرفتند تا از این طریق دیدگاهی جامع نسبت به آن‌ها و موضوعات مورد تأکید مشارکت‌کنندگان حاصل شد. سپس با استفاده از راهبرد مطالعه جمله به جمله اطلاعات جمع‌آوری‌شده، واژه‌ها و عبارات اصلی مرتبط با موضوع تحقیق یعنی چالش‌ها و مشکلات کارکردهای فرهنگی مدارس شناسایی شده و مفاهیم مرتبط با آن‌ها تدوین و تنظیم گردید. در واقع، پژوهشگران با تعمق و تأمل در مفاهیم حاصل‌شده و ادغام موارد مشابه و حذف موارد تکراری نهایتاً چهار مضمون یا طبقه اصلی را به ترتیب اهمیت شناسایی کردند که البته برخی از آن‌ها دارای مضامین فرعی خاص خود هستند. در جدول شماره یک این مشکلات ارائه شده است.

جدول ۱. فهرست مشکلات مرتبط با کارکردهای فرهنگی مدارس

ردیف	مضامین اصلی	مضامین فرعی
۱	مشکلات آموزشی مدارس	<ul style="list-style-type: none"> • شکاف آموزش‌های مدرسه با خانواده • محتوای حجیم و نامناسب کتب درسی • شعارزدگی و آرمان‌گرایی افراطی • عملکرد ضعیف مشاوران مدارس • مشکلات معلمان پرورشی مدارس • ضعف و قصور برخی معلمان • کمبودهای مالی، زمانی و امکاناتی مدارس
۲	مشکلات مرتبط با نهاد خانواده	بی‌توجهی و عدم نظارت خانواده‌ها
۳	فضای مجازی	اشتغال افراطی و آسیب‌زا
۴	واقعیت‌های اجتماعی جامعه	مشاهده و ادراک و تأثیرپذیری از آن‌ها

همان‌گونه که در جدول فوق مشخص است، مشکلات آموزشی مدارس متوسطه مهم‌ترین چالش یا مضمونی است که مشارکت‌کنندگان پژوهش درباره کارکردهای فرهنگی مطرح کرده‌اند. این مسائل عمدتاً نقش عوامل دخیل در آموزش و فرایندهای یاددهی و یادگیری در سطح مدارس و کلاس‌های درس را مورد تأکید قرار می‌دهند. البته این مضمون اصلی در قالب شش مضمون فرعی یعنی شکاف مدرسه با خانواده و جامعه، محتوای حجیم و نامناسب کتب درسی، شعارزدگی و آرمان‌گرایی افراطی، عملکرد ناکافی مشاوران مدارس، ضعف و قصور مربیان پرورشی، بی‌توجهی برخی دبیران و کمبودهای مالی، زمانی و امکاناتی مدارس قابل طرح و بحث است. مضمون دوم تحقیق، تنگناها و مشکلات مربوط به خانواده‌های دانش‌آموزان است که عمدتاً مؤید قصور و بی‌توجهی آنان به مسائل فرهنگی و تربیتی فرزندان خود است. مضمون سوم به‌دست‌آمده در این تحقیق، مسائل مرتبط با فضای مجازی و درگیری ذهنی و عملی دانش‌آموزان با آن است که خود ایجادکننده موانع جدی برای تربیت فرهنگی فراگیران است. درنهایت، مضمون چهارم واقعیت‌های اجتماعی موجود در جامعه است که مشاهده و ادراک آن‌ها توسط دانش‌آموزان دوره متوسطه فعالیت‌های فرهنگی مدارس را تحت تأثیر منفی خود قرار می‌دهد. در ذیل مستندسازی مضامین با اتکای به تجارب و روایت‌های منابع اطلاع‌رسان تحقیق ارائه شده است.

۱. مشکلات آموزشی مدارس متوسطه

همان‌طور که گفته شد این مشکلات، موانع و تنگناهای مربوط به نحوه عملکرد و نقش مدارس به‌عنوان متولی اصلی آموزش فرهنگ و عوامل مرتبط با آن را در برمی‌گیرد. در ذیل این طبقه مشکلاتی مانند شکاف مدرسه با خانواده و جامعه، محتوای حجیم و نامناسب کتب درسی، شعارزدگی و آرمان‌گرایی افراطی، عملکرد ضعیف مشاوران مدارس، مشکلات معلمان پرورشی، ضعف و قصور برخی معلمان و کمبودهای مالی، زمانی و امکاناتی مدارس قرار می‌گیرند. روایت‌ها و تجارب تعدادی از معلمان در مورد مضامین فرعی این مشکلات به قرار زیر است.

• شکاف مدرسه با خانواده

کد ۱۷: «مهم‌ترین چالش مدارس در این زمینه، یکی نبودن فرهنگ آموزش داده‌شده از سوی خانواده‌ها و والدین با فرهنگ رسمی آموزش داده‌شده در مدارس به دانش‌آموزان است. اصلاً مدرسه یک‌چیزی می‌گوید و بر آن تأکید می‌کند و خانواده هیچ توجهی به آن نمی‌کند. دو تا پیام مختلف می‌دهند و همین امر تضاد و اختلاف را به وجود می‌آورد.»

کد ۱۸: «متناسب نبودن فرهنگ خانواده‌ها با آن فرهنگی که در مدرسه تلاش برای آموزش آن داریم، باعث می‌شود که دانش‌آموزان دچار دوگانگی شوند و یا حتی فرهنگ خانواده خودشان را ارجح‌تر بدانند نسبت به آنچه در مدرسه یاد می‌گیرند.»

کد ۲۲: «تناقض فرهنگی خانواده با مدرسه خیلی زیاد است. واقعهش آن است که ما در مدرسه مطالبی به دانش‌آموزان می‌گوییم، دانش‌آموز که به منزل می‌رود پدر یا مادر عکس‌العمل نشان می‌دهند و بچه‌ها دچار تناقض می‌شوند. خوب، این تضاد و فاصله باعث می‌شود که آموزش‌های مختلف از جمله مسائل فرهنگی لوث شود و اثری نداشته باشد.»

• محتوای حجیم و نامناسب کتب درسی

کد ۳: «کتاب‌های درسی مطابق با چالش‌ها و مسائل قرن بیست و یکم طرح نشده‌اند و مطابق با دهه‌های ۵۰ تا ۶۰ هستند و بروز نیستند. به‌خصوص در مبحث دین و ارزش‌های دینی و فرهنگی که کتاب‌های درسی نتوانسته‌اند ما و فراگیران را در زمینه دین اقناع کنند. چرا که نمی‌توانند ارتباط بگیرند و همین امر باعث ایجاد واکنش می‌شود. اصلاً کتب درسی با واقعیت‌های روز جوانان متناسب‌سازی نشده و در نتیجه باعث ایجاد دوگانگی می‌شود.»

کد ۱۹: «محتوای کتاب‌های درسی ربطی با واقعیت‌های جامعه ندارد. همه وقت مدرسه هم صرف آموزش محتوای این کتاب‌ها می‌شود و محتوای آن‌ها نیز حجم زیادی داشته و نمی‌توان آن را نادیده گرفته و به سراغ کارهای فرهنگی رفت. کلاً با کتاب‌های درسی نمی‌توان یک دیدگاه فرهنگی منسجم به بچه‌ها بدهد.»

• شعارزدگی و آرمان‌گرایی افراطی

کد ۲: «شعارزدگی سردمداران آموزش و پرورش خیلی زیاد است و عملی پای کار نمی‌آیند. نمی‌توانند عملی آداب و رسوم و هنجارهای فرهنگی و دینی را وارد برنامه کنند و آن را باورپذیر و ملموس کنند و فقط به صورت آرمانی بیان می‌کنند. مثلاً مراسمات و وقایع را وارد برنامه روزمره بچه‌ها کنند، به این شکل که فرهنگ زینب (س) پای دیدگاه، نظر و هدف ماندن است، این را به صورت عملی به نمایش بگذارند.»

کد ۳: «سند تحول بنیادین آرمانی نوشته شده و واقعیت‌ها را مدنظر قرار نداده است، وضعیت نامطلوب و موجود را ندیده و مبنای شرایط آرمانی قرار می‌دهند. نگرش و جهان‌بینی کلی خیلی ایده‌آلی است، یک مدینه فاضله. در مدارس جنبه آرمانی دین را القا کرده ولی در تهدیدها و مشکلات، گوهر دین یعنی اخلاق را آموزش نداده و آن

قسمتی از دین را آموزش داده که خشک و آرمانی بوده و باعث جبهه گیری نوجوانان می شود...»

• عملکرد ضعیف مشاوران مدارس

کد ۱: «برای مشاوره و روانشناسی بچه‌ها و بررسی مشکلات هویتی و فرهنگی آن‌ها ساعت کافی نیست. درحالی‌که مشاوران روانی و اجتماعی باید هرروز در مدرسه حضور داشته باشند. در کار آنان بی‌برنامگی دیده می‌شود و برنامه عملکردی ندارند. همچنین دانش‌آموزان نسبت به مشاوران دید منفی داشته و میل به مراجعه به آنان را ندارند. این مشاوران روی جنبه آموزش تأکید کرده و به باقی مسائل از جمله فرهنگی و هنری بی‌توجه هستند و با بقیه دبیران ارتباط نمی‌گیرند. درحالی‌که با ارتباط می‌توانند اطلاعات همه‌جانبه کسب کنند.»

کد ۵: «ناکارآمدی مشاوران تحت نظارت آموزش و پرورش که پیشاپیش در مورد بچه‌ها گارد گرفته و سریع دانش‌آموز را قضاوت و کوبانده و بعد هم سریع به خانواده اطلاع داده و یک مسئله کوچک را به یک معضل بزرگ تبدیل می‌کنند. باید مشاورانی باشند که دردها و دغدغه‌های بچه‌ها را به زبان روز بفهمند و برای آن‌ها راه‌حل بدهند تا مانع سردرگمی و بی‌هدفی آن‌ها شوند. با این کار می‌توان بچه‌ها را درک کرد.»

• مشکلات مربیان پرورشی

کد ۴: «معلم پرورشی بر وظایف خود واقف نیست و مسئولیت فرهنگی خود را نمی‌داند. برخی مدارس هم اصلاً معلم پرورشی ندارند یا اگر هم داشته باشند، فعالیت آن‌چنانی انجام نمی‌دهند. درحالی‌که کار آن‌ها پرورش ذوق و علاقه فرهنگی دانش‌آموزان در زمینه ملی و دینی است. ما چنین چیزی را در مدارس مشاهده نمی‌کنیم که معلمان پرورشی در حوزه فرهنگ کاری خاص انجام دهند.»

کد ۷: «کم‌رنگ شدن حضور مؤثر و مهم دبیران پرورشی و عدم توجه کافی ادارات آموزش و پرورش مناطق مختلف به عملکرد و نقش دبیران پرورشی و بی‌انگیزگی آنان مشکل مهمی است که نباید نادیده گرفت. خود معلم پرورشی هم تلاشی در جهت تنوع برنامه‌ها و جذب دانش‌آموزان انجام نمی‌دهد و تکراری بودن و عدم تنوع برنامه‌ها در مناسبت‌های مختلف باعث تشدید بی‌علاقگی بچه‌ها شده است.»

• ضعف و قصور برخی معلمان

کد ۶: «عدم آگاهی برخی معلمان از دغدغه‌های روانی، اجتماعی و فرهنگی نوجوانان و برخورد چکشی با آن‌ها مسئله است. همچنین، الگوبرداری دانش‌آموزان از معلمانی

که رفتار صحیح ندارند و تأثیرپذیری منفی از این عده معلمان خیلی زیاد است. حتی بعضی معلمان نحوه برقراری ارتباط درست معلم با شاگرد را بلد نیستند، حالا این معلم بیاید کار فرهنگی بر روی بچه‌ها انجام دهد؟»

کد ۹: «از چالش‌های مهم می‌توان به علاقه‌مند نبودن معلمان برای اجرای مسائل فرهنگی اشاره کرد. اینکه معلمان صرفاً به جنبه آموزش نگاه می‌کنند و اکثر تمرکز خود را برای اجرای فعالیت‌های آموزشی می‌گذارند، به‌جای اینکه به فعالیت‌های فرهنگی توجه کنند؛ یعنی بیشتر معلمان ترجیح می‌دهند دانش‌آموزان صرفاً شعرهای داخل کتاب را حفظ کنند تا اینکه از آن‌ها پندی بگیرند. به‌علاوه هر کجا بیشترین ارتباط بین معلم و دانش‌آموز وجود داشته باشد، رفتارها قابل کنترل و تأثیرگذاری آن نیز بیشتر می‌شود. به‌طوری‌که حتی دانش‌آموز، معلم را فرد امین و مطمئن می‌داند.»

• کمبودهای مالی، زمانی و امکاناتی مدارس

کد ۱۱: «انجام برخی کارهای فرهنگی در مدرسه هزینه زیاد و امکانات فراوانی می‌خواهد. مثل ساخت سالن تئاتر و یا نمایشگاه هنری و کتابخانه‌های مجهز با نیروی انسانی متبحر. خب، این‌ها نیست. لذا مدرسه هم به غیر فعالیت‌های فرهنگی تکراری و کلیشه‌ای کاری نمی‌تواند انجام دهد.»

کد ۱۹: «چالش کمبود وقت که همه وقت کلاس و مدرسه صرف آموزش محتوای کتاب می‌شود و این محتوا زیاد بوده و نمی‌توان نادیده‌اش گرفت و مثلاً به سراغ کارهای فرهنگی رفته و از بودجه‌بندی عقب بمانی. ما اگر بتوانیم همین کار تدریس و آموزش را هم انجام دهیم، هنر کرده‌ایم. دیگر کار فرهنگی مان بماند.»

کد ۲۵: «چالش دیگر اینکه بودجه مالی برای اجرای کار فرهنگی نیست. مدارس با فقر مالی شدید مواجه‌اند. در شرایط فعلی مدرسه پول برگه‌های امتحانی را هم ندارد و برای تأمین آن به بچه‌ها و خانواده‌های آن‌ها التماس می‌کند، چه برسد به اینکه بخواهد کار یا فعالیت فرهنگی خوبی انجام بدهد.»

۲. مشکلات مرتبط با نهاد خانواده

چالش و یا عامل دیگری که توسط منابع اطلاع‌رسان به‌عنوان یکی از مشکلات موجود در زمینه ناکارآمدی کارکردهای فرهنگی مدارس مورد تأکید قرار گرفته، تنگناها و مشکلات مبتلابه خانواده‌های دانش‌آموزان را مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، علاوه بر نقش و جایگاه مدرسه باید نهاد خانواده نیز حساسیت‌های خاص خود را داشته باشد و حمایت و هماهنگی لازم را با فعالیت‌های مدارس و مراکز آموزش در زمینه‌های فرهنگی

و تربیتی انجام دهد، نه آنکه این نهاد مهم با بی‌توجهی و یا عدم نظارت بر رشد و تعالی فرهنگی فرزندان موجب مغفول ماندن این عرصه مهم شود. در زیر تعدادی از روایت‌های مرتبط با این مضمون آمده است.

کد ۷: «مهم‌ترین چالش با توجه به تجربه کاری من در مدارس، خانواده‌ها و نوع تربیت خانوادگی است. متأسفانه بسیاری از خانواده‌ها درخواست عدم اجبار مدارس به مشارکت فرزندان در فعالیت‌های فرهنگی را دارند و حتی برخی مواقع، فضای مسمومی علیه برگزاری مناسبات فرهنگی (که تأثیرات بسیاری بر روی تربیت و حتی قانونمندی فرزندان در محیط‌های گوناگون دارد) در خانواده‌ها از سوی پدر و مادر انجام می‌شود. لذا بیشتر و در ابتدا باید بر روی خانواده‌ها تمرکز کرد و تدابیری اندیشید. علت فرهنگ‌گریزی و ضد فرهنگ بودن را باید در خانواده‌ها جست‌وجو کرد.»

کد ۱۱: «بین نسل خانواده و نوجوانان شکاف وجود دارد و گوشی برای شنیدن حرف نوجوانان نیست. همچنین، محیط ناآرام خانواده از قبیل طلاق و دعوا و اختلافات زناشویی و یا اعتیاد یکی از والدین و یا خانواده ازهم‌پاشیده یا در حال ازهم‌پاشیدگی باعث ایجاد بدبینی در نوجوان شده و باعث می‌شود که این حس را به همه داشته باشد و به حرف کسی گوش ندهد. در این شرایط کار فرهنگی هم نتیجه‌ای ندارد، چون خانواده مانع می‌شود.»

کد ۱۵: «اکثر خانواده‌ها تناقضات فرهنگی زیادی با محیط مدرسه دارند. بسیاری از حرمت‌های قبلی بین مدرسه و خانواده از بین رفته و ما با والدین کمال‌گرایی مواجه هستیم که فقط نمره برای آن‌ها به هر قیمتی مهم است و به فرزندان خود هیچ مسئولیتی نمی‌دهند و تنها خواهان نمره ۲۰ هستند. کار فرهنگی مدرسه باید در خانواده و توسط اعضای آن موردپذیرش قرار بگیرد تا اثر کند.»

کد ۲۰: «به نظر من اگر بتوانیم فرهنگ خانواده را تغییر دهیم، می‌توان از فرزندان نیز انتظار تغییر داشت که این همکاری و برنامه‌ریزی‌های کلانی می‌طلبد. گاهی در مدرسه دانش‌آموزی دچار خطایی می‌شود، بعد از چند بار تذکر و تشویق و خلاصه همه راهکارهایی که بکار گرفته می‌شود و نتیجه‌ای حاصل نمی‌شود، عوامل اجرایی مدرسه تصمیم می‌گیرند والدین را بخواهند تا موضوع را با ایشان در میان بگذارند و با کمک آن‌ها راه‌حلی برای مشکل پیدا کنند. ولی متأسفانه وقتی والدین به مدرسه می‌آیند، رفتارهایی از خود نشان می‌دهند که تازه متوجه می‌شویم مشکلات فرهنگی و اخلاقی دانش‌آموز از داخل خانه سرچشمه می‌گیرد.»

کد ۲۵: «خانواده‌ها تأثیر زیادی بر نوجوانان دارند و مناسب نبودن بستر خانواده یک چالش اصلی است. زیاد شدن آسیب‌های خانوادگی مثل طلاق، متارکه والدین و ... که باعث شده تعداد دانش‌آموزان آسیب‌دیده در مدارس افزایش یابد، تأثیر زیادی بر روی رشد فرهنگی و اخلاقی بچه‌ها دارد و خانواده مشکل‌دار آموزش‌های مدرسه را خنثی می‌کند. لذا حتماً ایجاد ارتباط مستمر با خانواده‌ها می‌بایست مورد تأکید قرار گیرد.»

۳. چالش‌های ناشی از فضای مجازی

مضمون سوم این پژوهش که نشانگر یکی دیگر از چالش‌های فرهنگی مدارس متوسطه است، فضای مجازی و درگیری مفراط نسل جوان و نوجوان امروز جامعه با آن و رسانه‌های اجتماعی مرتبط است که عملاً وقت زیادی از آن‌ها را گرفته و کارکردهای آموزشی، تربیتی و فرهنگی مدارس و خانواده‌ها را تحت الشعاع قرار داده است. فراتر از آن، این عامل یا چالش ذهنیت و نوع نگرش فراگیران را هم متأثر ساخته و منجر به شکل‌گیری علایقی می‌شود که همخوانی چندانی با الگوهای فرهنگی و ارزشی محلی و ملی ندارد. در زیر بعضی از تجارب مشارکت‌کنندگان در این مورد آمده است.

کد ۸: «نوجوانان از فضای مجازی بسیار تأثیر می‌گیرند. تهاجم فرهنگی از طریق فضای مجازی زیاد است و نوجوانان با نداشتن اطلاعات درست و مطالعه نکردن، اطلاعات غلط فضای مجازی را قبول می‌کنند که با ارزش‌های فرهنگی جامعه و حتی خانواده و خود فرد هم همخوانی ندارد. این فضای مجازی به نوجوانان اطلاعات غلط داده و باعث بدبینی در آنان می‌شود.»

کد ۱۲: «با توجه به دسترسی دانش‌آموزان به فناوری‌های ارتباط جمعی، چه ماهواره با نصب ثابت و دسترسی مکانی و زمانی کمتر و چه گوشی‌های لمسی با آخرین فناوری با دسترسی هر زمان و هر مکان و دنباله‌روی بسیاری از نوجوانان تازه به دوران رسیده، اثرات منفی بر روی هنجارهای فرهنگی و ذهن بچه‌ها می‌گذارد و آموزش مدرسه با مانع مواجه می‌کند.»

کد ۱۳: «محتوای نشر داده‌شده در فضای مجازی مثل اینستاگرام با فرهنگ و آموزش مطالب در مدرسه اکثراً در تضاد هستند و باعث زدگی و بی‌علاقگی از برنامه‌ها و رو آوردن به مسائلی می‌شود که با فرهنگ، عرف و دین ما تطابق ندارد. به‌رحال، باید قبول کنیم که فضای مجازی با جذابیت و برنامه‌های خود باعث ایجاد ناکارآمدی برنامه‌های فرهنگی می‌شود.»

کد ۱۸: «وقت‌گذرانی بیش‌ازحد در فضای مجازی و وابستگی و بعضاً اعتیاد به آن

مشکل اصلی است. باید راهی پیدا کرد که با فرهنگ ما بخواند. الان رسانه و فضای مجازی و دسترسی نامحدود به هرگونه اطلاعات و هر فضایی که دانش آموز دلخواهش باشد، وجود دارد که خیلی خطرناک است و آسیب‌های زیادی وارد می‌کند و دانش آموز ساعت‌ها مشغول چت‌های غیرمفید و بازدیدهای بی‌هدف شده که ثمری جز اتلاف وقت و عدم تمرکز او ندارد.»

کد ۲۰: «باتوجه به تأثیر رسانه‌های امروز اعم از فضای مجازی و ماهواره در تغییر فرهنگ بسیاری از خانواده‌های ایرانی، مسلماً دانش‌آموزان نیز الگوهای خود را از این‌جور فضاها دریافت می‌کنند و متأسفانه مدرسه نمی‌تواند نقش چندانی بر افکار و رفتار نوجوانان داشته باشد. در نتیجه شما می‌بینی که هنجارها و ارزش‌های دینی جای خود را به ارزش‌های غربی داده است.»

کد ۲۲: «شبکه‌های مجازی یکی از عواملی است که باعث ناکارآمدی رشد و تربیت فرهنگی دانش‌آموزان می‌شود. چون تأثیری که فضای مجازی در فرهنگ دانش‌آموزان می‌گذارد، گاهی بسیار بیشتر از مدرسه است. اصلاً محتوای بی‌ارزش فضای مجازی و رواج آن بین دانش‌آموزان علتی مبنی بر ناکارآمدی تربیت فرهنگی است.»

کد ۲۶: «فضای مجازی بر ناکارآمدی تربیت فرهنگی بسیار مؤثر است و باعث عادی جلوه دادن تنبلی و بی‌احترامی به بزرگ‌ترها و زودباوری بچه‌ها شده است. دانش‌آموز متوسطه فکر می‌کند اگر کسی به او گفت عاشقت هستم یا اینکه دوست دارم، واقعاً خودش را فدای او می‌کند؛ اما بعد از چند سال که از نامزدی یا ازدواج گذشت، متوجه می‌شود که همه این حرف‌ها فقط در حد کلام بوده و واقعیت ندارد و در نتیجه به فکر طلاق می‌افتد و کلی مشکلات دیگر.»

۴. واقعیت‌های اجتماعی موجود در جامعه

در نهایت مشکل دیگری که در زمینه کارکردهای فرهنگی مدارس توسط مشارکت‌کنندگان پژوهش مورد اشاره و تأکید قرار گرفت، وجود مجموعه‌ای از پدیده‌ها و واقعیت‌های اجتماعی در سطح جامعه است که مشاهده و ادراک آن‌ها توسط شهروندان و از جمله دانش‌آموزان نوجوان و جوان تأثیراتی خاصی را بر روی رشد فرهنگی آن‌ها در بر دارد. تأثیراتی که عموماً شکل مثبت و تربیتی نداشته و ذهنیت آن‌ها را با ابهامات جدی مواجه می‌سازد. در زیر برخی از روایت‌های مشارکت‌کنندگان در این زمینه آمده است.

کد ۱۱: «دانش‌آموزان در مقابل هویت تحمیلی به دنبال ساخت هویت خویش هستند. در جامعه کنونی تضاد وجود دارد. نوجوانان در جمع خودسانسوری می‌کنند. در

این سن خاص قابلیت تفکیک ندارند و تعمیم می‌دهند. بدین صورت که اگر شخصی در لباس دین خطا و اختلاس کرد همه دین را بد می‌داند. آموزش و پرورش مسئول جلوگیری از قضاوت شتاب‌زده است، ولی این واقعیت‌ها نمی‌گذارند. همچنین، در جامعه تعصبات قومی و قبیله‌ای باعث توهمات و اطلاعات غلط شده که جبهه‌گیری در مقابل دیگر قوم‌ها را به همراه می‌آورد. نوجوان را واقعیت ملموس اطرافیان قانع می‌کند و آموزش در تضاد با واقعیت‌ها ثمربخش نخواهد بود.»

کد ۱۴: «جو حاکم سیاسی بر شرایط نیز بی‌تأثیر نبوده. وقتی از شخصی الگو برداری می‌کنند و آن شخص اشتباه می‌کند، تصوراتشان نسبت به دین به هم می‌ریزد و به کل دین تعمیم می‌دهند. در کل جامعه در زمینه فرهنگی یا اصلاً کار نشده یا عملکردها ضعیف است. برای کار فرهنگی برنامه‌ریزی نشده و اجرا مشکل دارد. حتی یک تبلیغ ساده. واقعیت‌های جامعه با آنچه دانش‌آموزان می‌خوانند یا درکش می‌کنند، در یک راستا نیست.»

کد ۱۸: «نوجوانان نسبت به وضع موجود منتقد هستند و دل‌خوشی از این بابت ندارند. به فرهنگ دینی نگاه خاصی دارند و شرایط اجتماعی حاکم نیز مزید بر علت است. تعصبات قومی و قبیله‌ای در بین آنان خود چالش است. رفتار و اطلاعات افراد بانفوذ جامعه دارای تناقض است. سیاست‌های فرهنگی حاکم بر جامعه صحیح نیستند. ابهام در سیاست‌ها و اقدامات فرهنگی وجود دارد و اثر بدی بر روی بچه‌ها می‌گذارد. زور و اجبار برای القای چیزی بالاخره خود را درجایی نشان می‌دهد و مقاومت ایجاد می‌کند. همچنین، کارهای فرهنگی در سطح جامعه خیلی کم است و تاثر و نمایشگاه نیست.»

کد ۲۳: «بحث نیازهای رو به افزایش جامعه و آگاهی از فرهنگ و دستاوردهای فرهنگی برای ما خیلی مهم و ضروری است، زیرا ما همیشه به فرهنگ و تمدن خود افتخار کرده‌ایم. ولی در زندگی روزمره و عمومی، چهره فرهنگی و تربیتی مطلوبی از خود بروز نداده‌ایم. این نقیصه در همه ابعاد اجتماع هویداست. مصیبت ما اینجاست که اغلب افراد به‌جای اینکه در نقش بازیگر ظاهر شوند و از خود شروع کنند، یا خود را با دیگران قیاس می‌کنند یا منتظر هستند که دیگران انجام دهند. همه شاهد هستند. از رعایت نکردن نظافت شهری تا رعایت نکردن حق دیگران در جامعه و نبود فداکاری اجتماعی در کشور وجود دارد. جوانان ما فداکاری ملی و دفاعی را بالأخص در دوران دفاع مقدس به نمایش گذاشته‌اند اما آن نوع فداکاری در کف جامعه و در سطح خیابان کم است. این‌ها مؤلفه‌های فرهنگ سالم هستند. فرهنگ دینی سالم‌ترین

آموزه‌های اجتماعی را به ما می‌دهد و خودش بخشی از فرهنگ است، ولی در سطح جامعه کمتر می‌بینیم.»

کد ۲۵: «نداشتن هیچ برنامه جامع و یکپارچه کشوری، شناخت ناکافی نسبت به دانش‌آموزان و مسائلی که آن‌ها با آن روبه‌رو هستند، مشکلی است که ما در سطح جامعه با آن مواجه‌ایم. هیچ متولی که مسئولیت این چالش‌ها را مستقیماً بر عهده بگیرد وجود ندارد و هرکسی به‌نوعی از مسئولیت فرار می‌کند. می‌خواهم بگویم ما در کلان‌کشور در زمینه فرهنگی مشکل داریم و جوان امروز ما آن را به عینه می‌بیند.»

نتیجه‌گیری

ارزشیابی و آسیب‌شناسی نظام آموزشی از نظر میزان موفقیت در تحقق اهداف و اجرای کارکردهای مورد انتظار می‌تواند داده‌ها و اطلاعات لازم را در اختیار سیاست‌گذاران آموزشی، برنامه‌ریزان درسی و نیز مدیران و مجریان فرایندهای آموزشی و پرورشی قرار دهد تا بر مبنای آن تغییرات و اصلاحات لازم را در بخش‌های مختلف اعمال کرده و از این طریق میزان اثربخشی و کارایی مدارس و مراکز آموزشی افزایش یافته و فارغ‌التحصیلان نظام آموزشی از شایستگی‌های لازم جهت انجام مسئولیت‌های مختلف فردی و اجتماعی برخوردار شوند. بر این مبنای، بررسی و واکاوی آسیب‌ها و مشکلات کارکردهای فرهنگی در مدارس کشور و مستندسازی میزان کارآمدی آن‌ها در تحقق اهداف فرهنگی و اجرای کارکردهای مربوط بدان نیز می‌تواند شناخت و بصیرت بیشتری را نسبت به این حوزه فراهم کرده و زمینه‌ساز کیفیت‌بخشی فعالیت‌های فرهنگی در سطح مدارس شود. در عین حال، باید دانست که میان فرهنگ و نظام آموزشی ارتباط معنایی و کارکردی زیادی وجود دارد و اساساً آموزش و تربیت به‌عنوان یک فرایند و نیز یک‌نهاد پدیده‌ای فرهنگی است. به همین دلیل، محتوا و شکل فرهنگ غالباً نقش بسیار مهمی در آموزش و تربیت ایفا می‌کند، به حدی که می‌توان گفت فرهنگ تکیه‌گاه تربیت است (نجفی و همکاران، ۱۳۹۴: ۲۷).

توجه به این امر در نظام آموزشی کشور که در آن اهداف فرهنگی (در دو ساحت فرهنگ ملی و فرهنگ دینی) در قالب برنامه‌های درسی رسمی و اجرا شده در پایه‌ها و مقاطع تحصیلی مختلف همواره مورد تأکید است، دارای اهمیت است. به‌ویژه در مقطع متوسطه دوم که دانش‌آموزان با شرایط خاصی از نظر تجربه بحران‌های

شخصیتی و هویتی مواجهه بوده و طبعاً وجود رویکردها و فعالیت‌های فرهنگی روزآمد و معنادار می‌تواند حلال بخشی از چالش‌هایی باشد که نسل جوان دانش‌آموز به‌گونه‌ای اجتناب‌ناپذیر با آن‌ها مواجه می‌شود. قابل‌ذکر است در دوره متوسطه دوم تحقق اهدافی همچون الگوگیری از سیره پیشوایان دینی، درک وجه استدلالی و عقلانی معارف دین، خواندن و نقد آثار حوزه هنری، بکارگیری قدرت تخیل و ذوق هنری در خلق اثر فرهنگی و هنری، بررسی آثار فرهنگی و هنری، مطالعه و بررسی مسائل و مشکلات زیست‌محیطی، شناخت حقوق و مسئولیت‌های خود در زندگی اجتماعی، کنش اقناعی در تعاملات اجتماعی، برخورداری از مهارت گفتگو (شورای عالی آموزش و پرورش، ۱۳۹۷) موردنظر و تأکید است که به نظر می‌رسد ماهیت و کارکرد فرهنگی دارند. بر این اساس، تحقیق پیرامون این اهداف و کارکردهای فرهنگی نهادهای آموزشی و شناسایی تنگناهای مختلف آن ضرورت می‌یابد.

مجموعاً یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان داد که در اجرای فعالیت‌های فرهنگی مدارس متوسطه دوم به‌طور مشخص چهار معضل بنیادی یعنی مشکلات آموزشی، مسائل خانوادگی، چالش فضای مجازی و مشاهده و ادراک واقعیت‌های اجتماعی وجود دارد که عملاً در فرایند فرهنگ‌پذیری دانش‌آموزان اختلال ایجاد کرده و مانع درونی شدن ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی در ساختار شخصیتی آن‌ها می‌شود. تأمل در چهار عامل یادشده مؤید این واقعیت مهم و اساسی است که در فرایند رشد فرهنگی دانش‌آموزان به‌عنوان نسل جوان کشور صرفاً نمی‌توان به عملکرد نهادهای آموزشی یعنی مدارس، دبیرستان‌ها و حتی دانشگاه‌ها در دوره‌های تحصیلی گوناگون بسنده کرد، بلکه به‌موازات آن باید نقش و سهم سایر متغیرهای غیرآموزشی از جمله خانواده، فضای مجازی و واقعیت‌های موجود در سطح جامعه را که توسط یادگیرندگان تجربه می‌شوند، موردنظر و تأکید قرار داد. همخوان با یافته‌های این تحقیق، اسماعیلی و کاوسی (۱۴۰۱) در پژوهش خود نشان دادند که جهت ارائه مدل جامع برای تربیت فرهنگی نسل جوان کشور ضرورت دارد که همه متغیرهای دخیل و بازیگر در این فرایند که شامل خانواده، نظام آموزشی، نهادهای اجتماعی و رسانه‌های جمعی هستند، در یک نگاه فراگیر مورد توجه و تأکید قرار بگیرند. همچنین، باید در تربیت فرهنگی نسل جوان، عوامل و نهادهای مذکور فعالیت‌های همگرا و متوازن و مرتبط با یکدیگر داشته باشند.

در تحقیق غفاری‌قدیر و همکاران (۱۴۰۲) نیز این یافته مورد تصریح قرار گرفت که عواملی همچون پدر و مادر، خانواده، دوستان همسال و اجتماعات مختلفی که

جوانان در آن حضور یافته و با دیگران تعامل می‌کنند، نقش قابل توجهی در آموزش و یادگیری مفاهیم فرهنگی و اجتماعی و کسب مهارت‌های لازم برای زندگی دارند. از این گذشته، در دنیای امروز که رسانه‌ها جزئی از واقعیت‌های اجتماعی اطراف فرد بوده و در خانه، مدرسه و محیط‌های بازی و اجتماعی همراه با فرد هستند، تأثیراتی قابل توجه به صورت مستقیم و غیرمستقیم بر روی رشد فرهنگی و اجتماعی افراد بر جای می‌گذارند. برات‌نیا کلوخی و هاشمیان‌نژاد (۱۴۰۱) هم در مطالعه خود نشان دادند که آسیب‌های فرهنگی و همه‌زیرمؤلفه‌های آن یعنی پذیرش ضدارزش‌ها، آسیب‌های همراه هوشمند، بی‌هویتی فرهنگی و تهاجم فرهنگی با نمره قانون‌گریزی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه رابطه مستقیم و معنادار دارند. پژوهشگران مذکور نشان دادند که آسیب‌های تربیت اخلاقی و مقیاس‌های آن یعنی شجاعت، احترام، صداقت، صبر، وفاداری، امانت‌داری، حسن خلق، توکل و وجدان با نمره قانون‌گریزی رابطه معکوس و معنادار داشته‌اند. در نتیجه آسیب‌های فرهنگی و آسیب‌های تربیت اخلاقی نقش مؤثری در پیش‌بینی قانون‌گریزی دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه داشته و برای کاهش قانون‌گریزی این فراگیران باید آسیب‌های یادشده را کاهش داد. کریمی‌فیروزجایی و همکاران (۱۴۰۲) با تأکید بر اینکه اصولاً رسانه‌های جمعی در رشد عادات و هنجارهای فرهنگی نقش زیادی دارند، در پژوهش خود ارتباط معنادار تمامی مؤلفه‌های تربیت فرهنگی با رسانه‌های ارتباط جمعی را مورد تأیید قرار داده تصریح کرده‌اند که این رسانه‌ها می‌توانند فرصت‌های مناسبی برای تحقق اهداف آموزش و پرورش فراهم کنند. افزون بر این، نقش خانواده و سرمایه فرهنگی آن و میزان استفاده از تلفن همراه (نیازی و همکاران، ۲۰۱۷)، تأثیر روش‌های آموزشی نادرست، محتوای آموزشی نامناسب و رابطه نامتوازن مریبان با متریبان (حسینی‌نژادماهانی، ۱۴۰۱)، عدم علاقه فراگیران به فعالیت‌های فرهنگی مراکز آموزشی (فقیهی و همکاران، ۱۴۰۰)، عدم تناسب کتب و برنامه‌های درسی دانش‌آموزان و رشد فناوری‌های ارتباطی (کاپور، ۲۰۱۹)، نقش خانواده در ابعاد مختلف رشد افراد (صادقی‌فسایی و بنی‌جمالی، ۱۳۹۸) به صورت مستقل به‌عنوان آسیب‌ها و یا عوامل مؤثر در تربیت فرهنگی مورد توجه قرار گرفته‌اند. سیف (۱۳۹۸) هم این نکته را خاطر نشان کرده که پرورش اخلاقیات بدون لحاظ کردن بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه ممکن نیست؛ زیرا هر نوع کارکرد ذهنی عالی مانند تفکر اخلاقی قبل از آنکه به صورت یک فرایند روان‌شناختی در فرد رخ دهد، ابتدائاً در

یک سطح اجتماعی وجود دارد. لئونتیف^۱ (۲۰۰۵) هم اذعان می‌کند که خاستگاه روان آدمی، اجتماعی بوده و فرایندی که بدان شکل می‌دهد عنصر ارتباط است. همچنین، در نظریه یادگیری مشاهده‌ای^۲ آلبرت بندورا^۳ نیز این واقعیت مورد توجه قرار می‌گیرد که بخش قابل توجهی از یادگیری‌های افراد از طریق دیدن و مشاهده پدیده‌ها و الگوهای بیرونی اتفاق می‌افتد. به عبارت دیگر، یادگیرنده به وسیله مشاهده دیگران یا یادگیری مشاهده‌ای می‌آموزد (اولسون و هرگنهان، ۱۳۹۹). به علاوه، اکنون در قالب نظریه سازنده‌گرایی اجتماعی^۴ بر این نکته تأکید می‌شود که آگاهی و دانش در یک بافت اجتماعی و از طریق تعامل و ارتباط میان افراد جامعه شکل می‌گیرد و اصولاً یادگیری و شناخت ماهیت و منشأیی اجتماعی دارد (فتحی، ۱۳۹۸).

به‌هرحال، با توجه به یافته‌های این پژوهش می‌توان پیشنهاد کرد که برنامه‌ریزی و اقدامات لازم در زمینه رشد و ارتقای کارکردهای فرهنگی در همه مراکز آموزشی کشور من جمله مدارس متوسطه دوره دوم باید بر محور عوامل شناسایی شده در این تحقیق یعنی نظام آموزشی، نهاد خانواده، فضای مجازی و جامعه و پدیده‌های اجتماعی انجام بگیرد تا از این طریق امکان اجرای اثربخش کارکردهای یادشده در مدارس متوسطه فراهم شده و فراگیران به ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی و اجتماعی مورد تأکید آراسته شده و از قابلیت‌ها و شایستگی‌های لازم برخوردار شوند. بر این اساس، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. ضرورت دارد که مسئولین و دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور در راستای تسهیل امر فرهنگ‌پذیری دانش‌آموزان و کاهش مشکلات مبتلابه آن اقدامات لازم را برای رفع مشکلات آموزشی مدارس در این عرصه طراحی و اجرا کنند. در این زمینه به‌طور خاص، اصلاح آن دسته از محتوای کتب درسی دوره متوسطه که کارکردی فرهنگی و اجتماعی دارند (مثل دین و زندگی، ادبیات فارسی، تاریخ و مطالعات اجتماعی و...) و همراه ساختن آن با تحولات فرهنگی شتابان ملی و جهانی ضرورت دارد.

۲. برنامه‌ریزی در جهت دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی مشاوران مدارس و مربیان پرورشی متناسب با تغییرات فکری و نگرشی نسل جوان دبیرستانی و تلاش

در جهت به رسمیت شناختن ذائقه‌های فرهنگی این نسل باعث خواهد شد که آنان نقش و مشارکت معنادارتری در هدایت و راهبری فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی فراگیران داشته و بتوانند هم‌خوان با روح زمانه کارکردهای فرهنگی لازم را انجام دهند.

۳. همچنین، توانمندسازی سایر دبیران مدارس متوسطه در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی و نحوه تعامل و ارتباط با نسل دانش‌آموزی این دوره، می‌تواند به گونه‌ای غیرمستقیم و خودجوش تأثیرات مثبت فرهنگی و ارتباطی خود را داشته باشد. اساساً در زمینه‌های فرهنگی و رفتاری باید جایگاهی مهم برای برنامه درسی پنهان یا غیررسمی^۱ قائل بود و نباید همه تکالیف و انتظارات این حوزه را بر برنامه درسی رسمی یا از قبل تعیین شده^۲ تحمیل کرد.

۴. تلاش برای رفع مشکلات مالی و تجهیزاتی مدارس متوسطه و تخصیص امکانات لازم به آن‌ها برای انجام فعالیت‌های فرهنگی و هنری معنادار (و نه کلیشه‌ای و تکراری) باید یکی از اولویت‌های مهم باشد. بدیهی است که اجرای فعالیت‌های فرهنگی و هنری جذاب که موردعلاقه و پسند نسل جوان امروز قرار بگیرد، نیازمند وجود امکانات و منابع مالی لازم است تا اثربخشی لازم را داشته باشد.

افزون بر موارد فوق، لازم است که جلب مشارکت هر چه بیشتر خانواده‌ها در طراحی و اجرای فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی دبیرستان‌ها، ایجاد ارتباط بیشتر میان آموزش‌های مدرسه با انتظارات خانواده‌ها و گروه‌های اجتماعی جامعه و اجتناب از آرمان‌گرایی افراطی و بالعکس واقعیت‌محوری برنامه‌های آموزشی مورد توجه جدی بگیرد. در عین حال، استفاده و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و نمادهای فرهنگی و هنری محلی و منطقه‌ای که خصلتی بومی و آشنا برای فراگیران دارد، می‌تواند موجب زدودن حس بی‌تفاوتی و جلب توجه و علاقه آنان به فعالیت‌های فرهنگی شده و زمینه مشارکت خودانگیزه و معنادار آنان را در این عرصه فراهم کند.

از سوی دیگر، برگزاری کلاس‌های آموزش خانواده در مدارس متوسطه به منظور جلب توجه و حساسیت بیش‌ازپیش خانواده‌ها به مشکلات فرهنگی و اخلاقی فرزندان خود و درگیر کردن آن‌ها در نحوه مقابله با چالش‌های مذکور، اصلاح سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مربوط به فضای مجازی و دوری از رویکردهای افراطی و تفریطی،

1. Hidden (Informal) Curriculum

2. Formal (Pre Intended) Curriculum

آگاهی‌بخشی و اطلاع‌رسانی همدلانه‌تر مدارس متوسطه در مورد فرصت‌ها و تهدیدات فضای مجازی و ارتباط بیشتر فعالیت‌های آموزشی با واقعیت‌های موجود در بستر مناسبات اجتماعی می‌تواند باعث شود تا اجرای کارکردهای اجتماعی و فرهنگی مدارس متوسطه از جذابیت بیشتری برخوردار شده و مورد توجه دانش‌آموزان قرار گیرد و از این طریق موفقیت و اثربخشی مدارس متوسطه در اجرای کارکردهای فرهنگی (فرهنگ‌پذیری و جامعه‌پذیری) دانش‌آموزان افزایش معناداری پیدا کند.

در عین حال، پیشنهاد مهم در زمینه‌ی اثرگذاری کارکردهای فرهنگی مدارس تلاش در جهت ایجاد همگرایی و هماهنگی میان فعالیت‌های مختلف است که در زمینه‌ی فرهنگی کار می‌کنند. اساساً رفع معضلات حوزه فرهنگ و اثربخشی فعالیت‌های آن در صورتی ممکن است که در یک دیدگاه جامع و همه‌جانبه‌نگر تمام نهادهای مسئول در این عرصه وظایف و مسئولیت‌های خود را با رعایت اصل مهم همگرایی و تعامل منطقی انجام دهند تا بتوان حاصل و نتیجه‌ی نهایی کار را در میان شهروندانی مشاهده کرد که از شخصیتی یکپارچه و رفتاری موزون و هماهنگ با هنجارهای فرهنگی برخوردار بوده و تکالیف فردی و اجتماعی خود را مسئولانه انجام می‌دهند. در واقع، کارایی نظام فرهنگی و تربیتی در حل چالش‌های فرهنگی و رفتاری نسل جوان زمانی محقق می‌شود که همگام و همخوان با مراکز آموزشی، سایر نهادهای اجتماعی مهم و اثرگذار یعنی خانواده، فضای مجازی و جامعه پیرامونی نیز به مسئولیت‌های خطیر خود عمل کنند. در نتیجه لازم است که فرایندهای معطوف به حل و کاهش چالش‌های فرهنگی نسل جوان ماهیت به‌هم‌پیوسته، یکپارچه و هم‌افزای عوامل دخیل در رشد فرهنگی و اجتماعی دانش‌آموزان را مورد توجه جدی قرار دهند تا زمینه افزایش اثربخشی فعالیت‌های این حوزه فراهم شود.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

منابع و مأخذ

- Abdollahi, Ayoub; Andishmand, Vida; Bahreinizadeh, Anahita and Zeinaldini Meymand, Zahra. (2024). A curriculum model based on cultural literacy in education in line with regional planning. *Geography (Regional Planning)*. 14.(55): 485-470. **[In Persian]**
- Abedi, Heydar Ali. (2010). Application of Phenomenological Research Method in Clinical Sciences. *Strategy*. 19. (54): 207-224. **[In Persian]**
- Abedi Khoob, Fatima and Farshad, Leila. (2023). Predicting students' scientific identity based on cultural, economic and social capital. *Research in educational methods*. 1. (3): 29-46. **[In Persian]**
- Adib Haj Bagheri, Mohsen; Parvizi, Sarwar; Salsali, Mahvash (2007). *Qualitative Research Method*, Tehran: Bashari. **[In Persian]**
- Afrogh, Emad. (2000). *Philology and Cultural Rights*. Tehran: Farhang va Danesh. **[In Persian]**
- Alagheband, Ali. (2024). *Sociology of Education*. Tehran: Rawan. **[In Persian]**
- Baratnia-Kolokhi, Zeinab; Hashemian-Nejad, Farideh. (2022). Predicting the delinquency score of adolescent high school students based on cultural and moral education harms. *Disability Studies*, 12(220), 8-1. **[In Persian]**
- Bazargan Abbas. (2010). *An Introduction to Qualitative and Mixed Research Methods, Common Approaches in Behavioral Sciences*. Tehran: Didar. **[In Persian]**
- Bazargan, Abbas. (2013). *Educational Evaluation*. Tehran: Samt. **[In Persian]**
- Broudy, H. S. (1990). Cultural literacy and general education. *Journal of Aesthetic Education*, 24(1), 7-16.
- Carvalho, Jean-Paul; Koyama, Mark; Williams, Cole. (2024). Resisting Education, *Journal of the European Economic Association*, 22 (6), 2549-2597.
- Cohen, Bruce. (2020). *Fundamentals of Sociology*. Translated by: Gholam Abbas Tavasoli and Reza Fazel. Tehran: Samt. **[In Persian]**
- Christenbury, L. (1989). Cultural Literacy: A Terrible Idea Whose Time Has Come. *English Journal*, 78(1), 14-17.
- Davies, M. J., Highfield, C., & Foreman-Brown, G. (2023). Secondary teachers' beliefs about the relationship between students cultural identity and their ability to think critically. *Journal of Pedagogical Research*, 7(4), 75-90.
- Dialmeh, Niko; Goodarzi, Akram and Azimi, Atiyeh. (2022). Explaining the process of acculturation based on Islamic teachings with emphasis on the role of schools. *Applied Issues of Islamic Education*. (2): 49-80. **[In Persian]**
- Dulou, Louis. (2005). *Individual Culture and Self-Culture*. Translated by Abbas Bagheri. Tehran: Farzan. **[In Persian]**
- Emami Sigaroudi, Abdolhossein; Dehghan-Nairy, Nahid; Rahnavard, Zahra; and Nouri Saeed, Ali.

(2012). Qualitative Research Methodology: Phenomenology. *Comprehensive Nursing and Midwifery*. 22 (2): 56-63. [In Persian]

Esmaili, Mahboobeh; Kavsi, Esmail and Qayumi, Abbasali. (2021). Investigating the relationship between cultural activities in schools and cultural education of students in the education of District Five of Tehran. *Sociological Research*. 15. (3): 111-95. [In Persian]

Faghihi, Ali Naqi; Bahrami, Susan; Jafari Harandi, Reza; Abdi Zarrin, Sohrab. (1400). The role of cultural programs of Qom University in educating students from the perspectives of professors and students, *Culture and Communication Studies*, 22(87), 177-198. [In Persian]

Farahini Farahani, Mohsen and Sabbagh Esmaili, Rana. (2016). Investigating the components of cultural literacy and providing a solution for its establishment in the education system. Hamedan: 14th Annual Conference of the Iranian Curriculum Studies Association (Curriculum and Culture). Bu-Ali Sina University. [In Persian]

Farastkhan, Maghsoud. (2015). *Qualitative Research Method in Social Sciences with Emphasis on Grounded Theory*. Tehran: Agah. [In Persian]

Fatemi Haftdaran, Hassan; Navidi, Mohammad; Zarei, Mohammad and Ghiori, Mehdi. (2024). Studying the impact of educational institutions on students' acculturation, 16th International Conference on Management and Humanities Research in Iran. [In Persian]

Fathi, Mohammad Reza (2019). Social Constructivism Theory and Its Implications for the Learning and Teaching Process. *Journal of Progress in Humanities Education*, 4(15): 85-101. [In Persian]

Graham, J. R., Grennan, J., Harvey, C. R., & Rajgopal, S. (2022). Corporate Culture: Evidence from the field. *Journal of Financial Economics*, 146(2), 552-593.

Ghafari Ghadir, Jalal; Khoramnejad, Ebrahim; Yavari, Behrouz. (2023). Methods of transferring cultural and social concepts to children using animation from the perspective of experts (case study of the Pahlavanan series), *Research in Islamic Education Issues*, 31(58), 211-240. [In Persian]

Habibi, Hamid. (2012). The Nature and Function of Culture. *Iran Newspaper*. (5074): 14. [In Persian]

Halbert K, Chigeza P.(2015). Navigating discourses of cultural literacy in teacher education. *Australian Journal of Teacher Education*. 40(11):155- 168.

Hall, John; and Junitz, Mary. (2011). *Culture from a Sociological Perspective*. Translated by Fariborz Majidi. Tehran: Soroush. [In Persian]

Heydari Naqdali, Jila; Javedani, Mohammad; Bagheri Karachi, Amin and Zar, Jahangir. (2023). Design and validation of the cultural literacy framework for elementary school teachers. *Culture and Communication Studies*. (62): 125-172. [In Persian]

Hirsch, E. D. (1987). *Cultural literacy: What every American needs to know*, Houghton Mifflin Company, Boston.

Hosseini Nejad Mahani, Seyyed Mohammad Reza. (2022). Pathology of religious education in student cultural and educational centers, *Educational Strategies in Medical Sciences*, 15(5), 471-481. [In Persian]

- Jemmy, Jemmy; Mokodenseho, Sabil; Yanti, Dawi; Arifannisa, Arifannisa & Mu'min, Halek. (2024). The Influence of Multicultural Education, Cultural Identity, and Political Participation on Minority Rights Awareness in Jakarta. *West Science Social and Humanities Studies*. <https://api.semanticscholar.org/CorpusID:274629377>.
- Joseph, Pamela Blotin. (2010). *Curriculum Cultures (Theories)*, translated by Mahmoud Mehrmohammadi and others, Tehran, Samt. **[In Persian]**
- Kalaki, Hassan. (2009). Fundamental Theory as a Method of Theorizing, *Cultural Research Letter*, 10. (6): 119-140. **[In Persian]**
- Kapur, R. (2019). *Cultural Education*. Available at: <https://www.ijtbm.com/abstract.php?id=226>
- Karatas S, Crocetti E, Schwartz SJ, Rubini M.(2020). Understanding adolescents' acculturation processes: New insights from the intergroup perspective. *New Dir Child Adolesc Dev*. (172):53-71.
- Karimi-Firozjaei, Mehran; Sharifzadeh, Hakimeh-Sadat; Kormakhani, Zeinab. (2023). Identifying the components of cultural education and its relationship with mass media (with emphasis on cyberspace). *Shahid Chamran University of Ahvaz*. 6.(2): 213-234. **[In Persian]**
- Kavousi, Ismail; Ismaili, Mahboobeh. (2022). Future study of the cultural education of adolescents based on the religious teachings of Nahjul-Balagha. *Future study of Management*, 32(128), 15-27. **[In Persian]**
- Koosh, Dani. (2018). *The concept of culture in the social sciences*. Translated by Fereydoun Vahida. Tehran: Soroush. **[In Persian]**
- Kunchambo, V., Lee, C. K. C., & Brace-Govan, J. (2021). 'Cultivating Nature Identity and Ecological Worldviews: A Path- way to Alter the Prevailing Dominant Social Paradigm. *Journal of Macromarketing*, 41(3), 484-5051.
- Leontiev AN. (2005). *Study of the environment in the pedagogical works of L.S. Vygotsky*. *Journal of Russian and East European Psychology*; 43(4):8-28.
- Mehrmohammadi, Mahmoud. (2022). *Rethinking the teaching-learning process and teacher training*, Tehran, Madrese. **[In Persian]**
- Milner, Andrew; and Brawitt, Jeff. (2008). *An Introduction to Contemporary Cultural Theory*. Translated by Jamal Mohammadi. Tehran, Qoghnoos. **[In Persian]**
- Moein, Mohammad. (2012). *Persian Dictionary*. Vol. 2, Ch. 27. Tehran: Amir Kabir. **[In Persian]**
- Mohammadpour, Ahmad; and Bahmani, Maryam. (2010). Women, Transition and the Introduction of Signs. *Strategic Studies of Women*. 12. (47): 41-72. **[In Persian]**
- Najafi, Hassan; Vafaei, Reza; Jafari Harandi, Reza. (2015). Retrieving the principles of cultural education from Islamic teachings, *Marefat Monthly*, 24(209), 13-28. **[In Persian]**
- Naqeeb H. (2012). Promoting cultural literacy in the EFL classroom. *Global Advanced Research Journal of Educational Research and Reviews*. 1(4):41-46. **[In Persian]**
- Niazi, Mohsen; Ganji, Mohammad; Forghani Noushabadi, Zahra. (2014). Mohsen, Investigation of social

and cultural factors affecting cultural identity with emphasis on the generation gap among students. *Intercultural Studies*, 30, 118-93. [In Persian]

OECD (2021), *Education at a Glance*. (2021): OECD Indicators, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/b35a14e5-en>.

Olson, Matthew and B. R. Hergenhahn (2020). *An Introduction to Learning Theories*, translated by Ali Akbar Seif, Tehran: Doran. [In Persian]

Pahlevan, Changiz. (2009). *Culture and Civilization*. Tehran: Ney. [In Persian]

Rothenberg WA, Lansford JE, Bacchini D, Bornstein MH, Chang L, Deater-Deckard K, et al. (2020). Cross-cultural effects of parent warmth and control on aggression and rule-breaking from ages 8 to 13. *Aggr Behav*; 46(4):327-340.

Rouhani, Mohammad Reza; and Shoa'i, Mohammad Hossein. (2022). The Concept of Culture in the Thought of Imam Khomeini (Quds Ser). *Social Theories of Muslim Thinkers*. (3): 105-127. [In Persian]

Ruh-ul-Amini, Mahmoud. (2005). *Field of cultural studies*. Tehran: Attar. [In Persian]

Sadeghi Fasaee, Soheila, and Bani Jamali, Seyed Mohsen. (2019). Youth, Family and Marriage Management. *Strategic Studies in Sports and Youth*, 18(44), 34-1. [In Persian]

Seif, Ali Akbar (2019). *Modern Educational Psychology; Psychology of Learning and Education*, Tehran: Doran. [In Persian]

Shamshiri, Babak. (2017). The role and position of cultural education in the teacher training system. *Research in Teacher Training*. (2): 109-124. [In Persian]

Supreme Council of Education (2018). *Objectives of academic courses*, approved in session 952, available at www.sce.ir. [In Persian]

Tanhayi, Leila; Goodarzi, Akram; and Vojdani, Fatemeh. (2023). Challenges and Obstacles to the Cultural and Educational Functions of Schools Based on the Lived Experiences of Principals in the Four Decades after the Islamic Revolution of Iran. *Educational Sciences from the Perspective of Islam*. 11. (20): 65-97. [In Persian]

Yarmohammadian, Mohammad Hossein. (2021). *Fundamentals and Principles of Curriculum Planning*, Tehran, Yadvareh Book. [In Persian]

Zare, E., Shamshiri, B., Karimi, M. H., & Shahsani, S. (2023). Education with a cultural anthropology approach: Nature and components. *Journal of Strategic Cultural Studies*, 3(4), 109-141. <https://doi.org/10.22083/scsj.2024.428992.1131>. [In Persian]

Zirkiheydari, Ali; Almasi, Mustafa. (2023). The importance of the transformation of political culture in the political development of contemporary Iran with emphasis on the Islamic Republic period. *Journal of Islamic Revolution Research*. (47): 55-73. [In Persian]